

فهرست

- الدَّرْسُ الْأَوَّلُ: قِيمَةُ الْعِلْمِ، نُورُ الْكَلَامِ وَ كَنْزُ الْكُنُوزِ ٥
- الدَّرْسُ الثَّانِي: جَوَاهِرُ الْكَلَامِ، كُنُوزُ الْحِكْمِ، كَنْزُ النَّصِيحَةِ، الْحِكْمُ النَّافِعُ وَالْمَوَاعِظُ الْعَدَدِيَّةُ ١٦
- الدَّرْسُ الثَّلَاثُ: جَوَازُ بَيْنَ وَلَدَيْنِ ٣١
- الدَّرْسُ الرَّابِعُ: فِي السُّوقِ ٣٧
- الدَّرْسُ الْخَامِسُ: الْجُمَلَاتُ الدَّهَبِيَّةُ ٤٣
- آزمون نيم سال اول ٤٩
- الدَّرْسُ السَّادِسُ: فِي الْخُدُودِ ٥١
- الدَّرْسُ السَّابِعُ: الْأُسْرَةُ النَّاجِحَةُ ٥٧
- الدَّرْسُ الثَّامِنُ: زِينَةُ الْبَاطِنِ ٦٢
- الدَّرْسُ التَّاسِعُ: الْإِخْلَاصُ فِي الْعَمَلِ ٦٨
- الدَّرْسُ الْعَاشِرُ: الْأَيَّامُ وَالْفُصُولُ وَالْأَلْوَانُ ٧٤
- آزمون نيم سال دوم ٧٩
- باسخرنامه تشریحی ٨٢

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

قِيَمَةُ الْعِلْمِ، نُورُ الْكَلَامِ وَ كَنْزُ الْكُنُوزِ



السَّلَامُ عَلَيْكُمْ؛ أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ فِي الصَّفِّ السَّابِعِ، كَيْفَ حَالُكُمْ؟
سلام بر شما؛ خوش آمدید به کلاس هفتم. حال شما چه طور است؟

خواندنی > بچه‌ها سلام؛ می‌دونید «سلام» یعنی چی؟ سلام یعنی صلح، سلام پیام دوستی و محبت است. یعنی من با تو دوستم. در زمان جاهلیت (قبل از پیامبر) وقتی عرب‌های بیابان‌نشین به هم سلام می‌کردند یعنی نه تنها با هم دوست و هم‌پیمان می‌شدند که مال و جان و ناموس اون‌ها از طرف هر کدوم در امان بود و کسی به کسی دیگه خیانت یا باهاش هتک نمی‌کرد.



هَذَا جَبَلٌ جَمِيلٌ. هَذِهِ صُورَةٌ جَمِيلَةٌ.
این کوه زیبایی است. این تصویری زیباست.

المُعْجَمُ: وَازْكَان

صَدَاقَةٌ: دوستی	حَدِيقَةٌ: باغ	أَفْتَةٌ: آفت، آسیب
الصَّفِّ: کلاس	حُسْنٌ: خوبی	أَفْتَةُ الْعِلْمِ التَّسْيَانُ: آفت دانش فراموشی است.
الصَّحَّةُ: تندرستی	حَشَبِيٌّ: چوبی	الْأَمَانُ: امنیت
الصَّغَرُ: کودکی	هَذَانِ الْكُرْسِيَّانِ حَشَبِيَّانِ: این دو صندلی چوبی هستند.	نِعْمَتَانِ مَجْهُولَتَانِ؛ الصَّحَّةُ وَ الْأَمَانُ: دو نعمت ناشناخته‌اند: تندرستی و امنیت
الطَّالِبَةُ: دانش‌آموز	أَحْيَاءُ: زندگان	أَوْسَطُ: میانه‌ترین
هَذِهِ الطَّالِبَةُ نَاجِحَةٌ: این دانش‌آموز، موفق است.	الدَّهْرُ: روزگار	خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا: بهترین کارها میانه‌ترین آن‌هاست.
عَدَاوَةٌ: دشمنی	دَهَبٌ: طلا، زر	بِلا عَمَلٍ: بی‌عمل
عَثْرَةٌ: پند	أَدَبُ الْمَرْءِ خَيْرٌ مِنْ دَهَبِهِ: ادب انسان بهتر از طلای اوست.	الْبَيْتُ: دختر
فَائِزٌ: برنده، رستگار	رِضَا: خوشنودی	تَمْرٌ: میوه
هُؤُلَاءِ الْأَعْبَادِ فَائِزُونَ: این بازیکنان برنده‌اند.	سَبْعِينَ: هفتاد	الجَبَلُ: کوه
فَخْرٌ: افتخار	سَنَةٌ: سال	الحَجَرُ: سنگ
فَرِيضَةٌ: واجب		
فَلَّاحٌ: کشاورز		



ناجِح: موفق	اللَّوْحَة: تابلو	القِصَص: قصه‌ها / داستان‌ها
النَّسِيان: فراموشی	مُجَالَسَة: هم‌نشینی	❖ في كُتُب القِصَص عِبْرَة: در کتاب‌های داستان پندهایی است.
نَظْرَة: نگاهی / یک نگاه	❖ مُجَالَسَة العِلْمَاء عِبَادَة: هم‌نشینی با دانشمندان عبادت است.	قِيَمَة: ارزش، بها
❖ نَظْرَة إِلَى الدَّرْسِ الأوَّل: درس اول در	مُجَاهِدُون: رزمندگان / مجاهدان	كَالشَّجَرِ: مثل درخت
یک نگاه	مِفْتَاح: کلید	كَنْز: گنج
النَّظِيف: پاکیزه	مَجْهُول: ناشناخته	كَبِير: بزرگ
نافذَة: پنجره	المَرَأَة: زن	كُرْسِيَان: دو صندلی
واقف: ایستاده	المَسْرُور: خوشحال	اللَّاعِب: بازیکن
الوالدين: پدر و مادر	مَوْت: مرگ	لِهَذَا: این دارد / دارد
الوَرْدَة: گل		❖ لِهَذَا الصَّيْفِ نافذاتان جَميلتان: این کلاس دو پنجره زیبا دارد.

المترادف: کلمات هم‌معنی

حُسْن = خیر (خوبی)	عَجِيب = غریب (شگفت)	الطَّالِب = التَّلْمِيز (دانش آموز)	الرَّأْي = التَّنْظَر (فکر و نظر)
فَرِيضَة = تکلیف (واجب)	مُرْتَفَعَة = بایسقة (بلند)	التَّور = الضَّيَاء (روشنایی)	المَسْرُور = الفَرَح (خوشحال)
ناجِح = فائز (پیروز)	الولد = الإبن (پسر)	المَرء = الانسان (آدمی)	مُجَالَسَة = مُصاحبة (هم‌نشینی)

المتضاد: کلمات مخالف

جَمِيل ❖ كَرِيه (زشت ❖ زیبا)	الصَّالِح ❖ الفاسد (نیكوکار ❖ بدكار)	لَكَ ❖ عَلَيْكَ (به سود تو ❖ به ضرر تو)	
العَالِم ❖ الجَاهِل (دانا ❖ نادان)	مَوْت ❖ حَيَاة (مرگ ❖ زندگی)	خَيْر ❖ شَرّ (خوبی ❖ بدی)	
النَّاجِح ❖ الكَسَل (موفق ❖ تنبل)	جَالِس ❖ واقف (نشسته ❖ ایستاده)	مَسْرُور ❖ محزون (خوشحال ❖ ناراحت)	
كَبِير ❖ صَغِير (بزرگ ❖ كوچك)	المُؤْمِن ❖ الكافِر (باایمان ❖ بی‌ایمان)	عَدَاوَة ❖ صَدَاقَة (دشمنی ❖ دوستی)	
مُرْتَفَع ❖ قَصِير (بلند ❖ كوتاه)	مَجْهُول ❖ معلوم (ناشناخته ❖ شناخته‌شده)	فَائِز ❖ رَاسِب (موفق ❖ مردود)	
التَّور ❖ الظُّلْمَة (روشنایی ❖ تاریکی)	الصَّحَة ❖ المَرَض (سلامتی ❖ بیماری)		

الجُموع: جمع‌های سالم و مكسّر

بَنَات ❖ بِنْت (دختر)	سَنَوَات ❖ سَنَة (سال)	أَنْوَار ❖ نور (روشنایی)	صُلَحَاء ❖ صالح (نیكوکار)
جِبَال ❖ جَبَل (کوه)	مَكَاتِب ❖ مَكْتَبَة (کتابخانه)	عَبْر ❖ عبْرَة (پند)	أَحْيَاء ❖ حَيّ (زنده)
عُلَمَاء ❖ عالِم (دانا)	أَطْبَاء ❖ طَبِيب (پزشک)	كُنُوز ❖ كَنْز (گنج)	أَحْجَار ❖ حَجَر (سنگ)
أَشْجَار ❖ شَجَرَة (درخت)	رِجَال ❖ رَجُل (مرد)	أُمُور ❖ أَمْر (کار، امر)	حَدَائِق ❖ حَدِيقَة (باغ)
طُلَّاب ❖ طَالِب (دانش‌آموز)	نَاجِحُون ❖ نَاجِح (موفق)	أَخْشَاب ❖ خَشَب (چوب)	مِفْتَاحِيح ❖ مِفْتَاح (کلید)
فَرَائِض ❖ فَرِيضَة (واجب)	تَمَارِين ❖ تَمْرِين (تمرین)	أَرَاء ❖ رَأْي (نظر)	كُرَاسِيّ ❖ كُرْسِيّ (صندلی)
أَوْلَاد ❖ وِلْد (فرزند)	مَدَارِس ❖ مَدْرَسَة (مدرسه)	أَيَّام ❖ يَوْم (روز)	كِبَار ❖ كَبِير (بزرگ)

درس نامه

پیش نیاز

در دنیای کلمات برخی از اسم‌ها برای «اشاره» به سوی یک چیز و یا یک انسان است. در زبان فارسی برای اشاره به کسی یا چیزی از کلمات «این» و «آن» / «این‌ها» و «آنان» استفاده می‌کنیم. فقط یک تفاوت کوچک با عربی دارد و آن هم: مؤنث و مذکر است. منظور از اسم مؤنث، جنس ماده یا زن بودن است و منظور از اسم مذکر جنس نر یا مرد بودن است.

حالا به سؤال چه ربطی این موضوع به اسم اشاره داره؟! اسم اشاره هم همین‌طوره، یعنی اگه بخوایم به یه دانش‌آموز پسر اشاره کنیم می‌گیم ← **هَذَا التِّلْمِیذُ** (این دانش‌آموز) و اگر بخوایم به یه دانش‌آموز دختر اشاره کنیم می‌گیم ← **هَذِهِ التِّلْمِیذَةُ** (این دانش‌آموز). **نتیجه** ← برای اشاره به اسم مؤنث از «هذه» استفاده می‌کنیم و برای اشاره به اسم مذکر از «هذا».

خواندنی ← در بعضی از زبان‌های دنیا برای هر اسمی یک مؤنث و مذکر دارند (مثل زبان آلمانی) در عربی هم همین‌طوره!! اگر شما بفواید بگویید «دانش‌آموز» بستگی داره به این‌که آن دانش‌آموز «پسر» باشه یا «دختر». التِّلْمِیذُ (دانش‌آموز پسر)، التِّلْمِیذَةُ (دانش‌آموز دختر).

مثال ← هذه صُورَةٌ جَمِیلةٌ وَ هذا جَبَلٌ جَمِیلٌ: این تصویر زیبایی است و این کوه زیبایی است.

خواندنی ← **یالابه بدونید که در زبان عربی هر اسمی که «ه» داشته باشه ← مؤنثه و هر اسمی که «ة» نداشته باشه ← مذکره.**
• هذه لَوْحَةٌ (این تابلو است). • هذا صَفٌّ (این کلاس است).

پس «ه» یکی از علامت‌های اسم مؤنثه که اگر به اسمی هم که اونو نداره اضافه‌ش کنیم، اون هم مؤنث می‌شه. هذا معلِّمٌ ← مؤنث ← هذه معلِّمةٌ.

مثال ← حالا که با دو اسم اشاره «هذه» و «هذا» (هر دو اشاره به نزدیک‌اند) آشنا شدیم، شما با توجه به تصاویر و شکل‌های زیر از اسم اشاره مناسب استفاده کنید.



غابة



عنب



طبيبة



طبيب

گفتیم که «هذا» و «هذه» اسم اشاره به نزدیک‌اند، پس اسم اشاره به دور چه کلماتی هستند؟! البته یادگیری اون‌ها هم سخت نیست:

«ذلك» ← آن ← برای مذکر؛ ذلك رجلٌ (آن مردی است). «تلك» ← آن ← برای مؤنث؛ تلك امرأةٌ (آن زنی است).

مثال ← حالا که با چهارتا اسم اشاره آشنا شدیم با کمک تصاویر زیر، اسم‌های اشاره مؤنث و مذکر را در جای خالی، مثل مثال قرار دهید.



الصَّفُّ کبیرٌ



هذه تَفَاحَةٌ لَذیذةٌ.
تلك تَفَاحَةٌ لَذیذةٌ.



هذا جَبَلٌ مَرْتَفَعٌ.
ذلك جَبَلٌ مَرْتَفَعٌ.



..... المدرسةُ واسعةٌ.

..... طفلٌ نظيفٌ.

..... الطالبةُ ناجحةٌ.

..... المدرسةُ واسعةٌ.

..... طفلٌ نظيفٌ.

..... الطالبةُ ناجحةٌ.

خواندنی وقتی داریم ترجمه می‌کنیم اگر بعد از اسم اشاره، اسم «ال» دار بیاید، آن اسم «ال» دار بدون «ی» ترجمه می‌شه و اگر بدون «ال» باشه، اون اسم همراه «ی» می‌آید؛ هتیه الشجرة، عبيبة ← این درخت، عیبب است. هتیه الشجرة عبيبة ← این درخت عیبب است.

مثال اگر بخواهیم مطمئن بشویم که با معنای دو اسم اشاره نزدیک و دور آشنا شده‌ایم، باید بتوانیم جملات زیر را ترجمه کنیم:

۱ هذا الولد، في هذه المدرسة.

۲ هذه البنت، في تلك المدرسة.

۳ ذلك الطالب الناجح، في الصف الأول.

۴ هذه الطالبة الناجحة، في الصف الأول.

پاسخ ۱ این پسر، در این مدرسه است.

۲ این دختر، در آن مدرسه است.

۳ آن دانش‌آموز موفق، در کلاس اول است.

۴ این دانش‌آموز موفق، در کلاس اول است.

مثال وقتی شما می‌توانید جملات بالا را ترجمه کنید، پس می‌توانید با کمک تصاویر اسم‌های زیر را در جای خالی قرار دهید.

شجرة - جبل - ولد - بنت



۴ هذا

۳ ذلك

۲ تلك

۱ هذه

۴ هذا جبل.

۳ ذلك ولد.

۲ تلك شجرة.

پاسخ ۱ هذه بنت.

مثال برای هر جای خالی، یک کلمه مناسب انتخاب کنید.

۱ تلك الشجرة تمر.

۲ العالم المؤمن ك الرحمة و النور.

۳ هذه الشجرة الكبيرة، لذيذ.

۴ «حميد» اسم ولد و «حميدة» اسم

بلا

ناجح

طلب

بنت

تمر (میوه)

۴ بنت (دختر)

۳ تمر (میوه)

۲ جبل (کوه)

پاسخ ۱ بلا (بدون)

یکی دیگر از تفاوت‌های کلمات عربی با فارسی این است که در فارسی اسم بیشتر از یک نفر را جمع می‌بندیم. مثلاً به دو دانش‌آموز می‌گوییم «شما» یا «آنها». به بیشتر از دو دانش‌آموز هم باز می‌گوییم «شما» یا «آنها».

در عربی بعد از اسم مفرد، اسم مثنی (۲ نفر) را دارند و بیشتر از ۲ نفر را جمع می گویند.

پس آقا اجازه، یعنی اسم های اشاره هم مثنی دارند؟

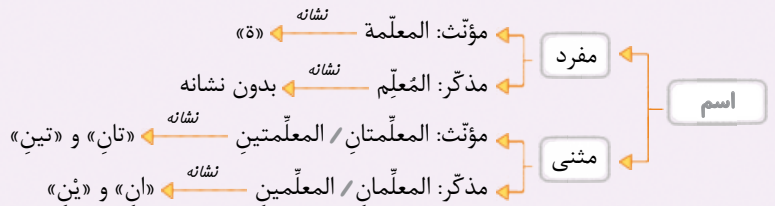
البته اسم های اشاره هم مانند اسم های دیگر مثنی دارند:



خواندنی > هالا که با نشانه های اسم مثنی آشنا شدید دقت کنید که بعضی از اسم ها مفردند ولی شکل و ساختار کلمه طوری است که شبیه اسم مثنی هستند. پس نباید آن ها

را با اسم مثنی اشتباه بگیریم؛ طیران (پرواز)، عطشان (تشنه)، سلمان

با توجه به مثال های بالا بهتر است که علامت ها و نشانه های اسم مثنی را در عربی بهتر بشناسیم. بنابراین به نمودار زیر دقت کنید:



خواندنی > یادمون باشه که اگر اسم، مذکر باشه با «ان» و «ین» می آید و اگر مؤنث باشه با «تان» و «تین» می آید.

الكتاب مثنی / الكتابان / الكتابين النعمة مثنی / النعمتان / النعمتين

• هذان المعلمان مؤذبان • هاتان المعلمتان مؤذبتان

مثال >> با توجه به آشنایی شما با اسم های اشاره به صورت مثنی جملات زیر را با کمک تصاویر کامل کنید.



..... وُردَتانِ.

هاتانِ الـ جَميلتانِ.



..... وُلدانِ.

هذانِ الـ مُؤذبانِ.



..... بَنتانِ.

هاتانِ الـ نَظيفتانِ.



..... كُرسِيانِ.

هذانِ الـ حَسْبِيانِ.

یکی دیگر از مشخصات کلمات عربی حرکت آخر آن ها است که با تغییر نقش کلمات حرف آخر آن ها نیز تغییر می کند:

این علامت ها عبارت اند از: َ - فتحه، ِ - كسره، ُ - ضمه، ْ - سکون و ِ - تنوين.

رَأَيْتُ التَّلْمِيذَ فِي الْمَدْرَسَةِ: دانش آموز را در مدرسه دیدم.

مفعول

ذَهَبْتُ التَّلْمِيذَ إِلَى الْمَدْرَسَةِ: دانش آموز به مدرسه رفت.

نحوه

سَلَّمْتُ عَلَى التَّلْمِيذِ: به دانش آموز سلام کردم.

متمم

نکته >> دقت کنیم که حرکات آخر کلمات و تغییر آن ها فعلاً از قواعد درس های ما نیست و سال های بعد با آن ها آشنا خواهیم شد. اقا یادمان

باشد که «ن» در اسم مثنی همیشه كسره - می گیرد، چه اسم اشاره باشد چه نباشد: هاتانِ التَّلْمِيذاتِ.

مثال با کمک تصاویر اسم‌های مفرد زیر را به مثنی تبدیل کنید و در جای خالی قرار دهید.

المسجد - الطالبة - النافذة - الرجل



۱ هاتان جميلتان. ۲ هاتان ناچختان. ۳ هذان كبيران. ۴ هذان مجدان.

پاسخ ۱ هاتان النافذتان جميلتان. ۲ هاتان الطالبتان ناچختان. ۳ هذان المسجدان كبيران. ۴ هذان الرجلان مجدان.

مثال برای جای خالی کلمه مناسب را انتخاب کنید.

- | | | |
|---------------------------|---------------------------------|----------------------------------|
| ۱ هاتان مسرورتان. | ۱ المرأة <input type="radio"/> | ۲ المرأتان <input type="radio"/> |
| ۲ لهذا الصف نافذتان | ۲ جميلتان <input type="radio"/> | ۳ جميلان <input type="radio"/> |
| ۳ ذلك نظيف. | ۳ الطالبة <input type="radio"/> | ۴ الطالب <input type="radio"/> |
| ۴ هذه كبيرة. | ۴ المدرسة <input type="radio"/> | ۵ المسجدان <input type="radio"/> |
| ۵ النافذة خشبية. | ۵ هذا <input type="radio"/> | ۶ هذه <input type="radio"/> |

پاسخ ۱ هاتان المرأتان مسرورتان. این دو زن خوشحال‌اند. ۲ لهذا الصف نافذتان جميلتان. این کلاس دو پنجره زیبا دارد. ۳ ذلك الطالب نظيف. آن دانش‌آموز پاکیزه است. ۴ هذه المدرسة كبيرة. این مدرسه بزرگ است. ۵ هذه النافذة خشبية.

خواندنی شاید این سوال براتون پیش بیاید که چرا از «ین» و «تین» در مثال‌ها استفاده نکردیم؟!

قواعد این دو نشانه رو در الان نمی‌تونم بگم چون به مقدار زوده و سال‌های بعد خواهید فونند. ولی فلاحظش اینه که بستگی به نقش اون در جمله داره. مثل پایی که مفعول باشه یا بعد از «ل» بیاد: الولد الصالح فخر للوالدين.

تاکنون با اسم‌های مفرد و مثنی آشنا شدیم و آخرین موضوعی که باید در این درس یاد بگیریم اسم‌های جمع و اسم‌های اشاره برای جمع است.

خواندنی تا این‌جا دیدیم که برای اسم‌های اشاره هم، مؤنث و مذکر بود. هذا ← مذکر، هته ← مؤنث. اما باید دقت کنیم که اسم اشاره برای جمع، مؤنث و مذکر ندارد. هؤلاء بنات (اینان دختران‌اند). هؤلاء اولاد (اینان پسران‌اند).

اگر اجازه می‌دهید از فارسی شروع کنیم تا به عربی برسیم.

دوستای عزیزم اگر ما در فارسی بگوییم به چند نفر اشاره کنیم از چه کلماتی استفاده می‌کنیم؟ آله نزدیک باشند می‌گیم ← اینان / این‌ها و اگر دور باشند می‌گیم ← آنان / آن‌ها. در زبان عربی هم همین‌طوره؟!

یعنی اگر ما بگوییم به چند نفر که نزدیکمون هستند اشاره کنیم می‌گیم ← هؤلاء (اینان) و اگر از ما دور باشند می‌گیم ← أولئك (آنان).

مثال ● هؤلاء طاب (اینان دانش‌آموزند). ● أولئك طاب (آنان دانش‌آموزند).

● هؤلاء طالبات (اینان دانش‌آموزان (دختر)‌اند). ● أولئك طالبات (آنان دانش‌آموزان (دختر)‌اند).

خواندنی یاد برونید که اگر بعد از اسم اشاره جمع، اسمی «ال» دار بیاید، اسم اشاره رو به صورت مفرد ترجمه می‌کنیم و اگر بعد از اسم اشاره جمع، اسمی بدون «ال» بیاید می‌توان هر دو را جمع ترجمه کرد و هم می‌توان اشاره رو جمع ولی اسم بعد از اسم اشاره رو مفرد ترجمه کرد:

۱ هؤلاء المهاجرون صابرون: این مهاجران شکیبا هستند.

۲ هؤلاء مهاجرون صابرون: این‌ها مهاجران شکیبا هستند - این‌ها مهاجر شکیبا هستند.

خُب حالا به آخرین موضوع درس رسیدیم؛ اسم‌های جمع. اگر بخواهیم یک اسم مذکر را به صورت جمع بنویسیم هم می‌توانیم به آخر آن اسم «ون» اضافه کنیم و هم «ین».

المعلّم ← جمع ← المعلمون / المعلمين

و اگر بخواهیم یک اسم مؤنث را به صورت جمع بیاوریم، اگر «ة» یعنی علامت مؤنث داشت آن را حذف می‌کنیم و به جای آن «ات» به آخر کلمه اضافه می‌کنیم:

التلميذة ← جمع ← التلميذات المعلمة ← جمع ← المعلمات

یک نوع جمع دیگر داریم که مفرد کلمه تغییر می‌کند و شکل ساختن آن قاعده خاصی ندارد و فقط باید شکل و وزن آن را شنیده باشیم که به این جمع، جمع مکسر گویند:

كتاب ← جمع ← كُتُب تلميذ ← جمع ← تلاميذ

جمع بندی مطالب به صورت نمودار



خواندنی مَلَک مؤنث یا مَذْکَر بودن جمع‌های مکسر مفرد آن‌ها است و اگر فواصیم بفهمیم که یک جمع مکسر مذکره یا مؤنث، اول باید مفرد اون رو پیدا کنیم:

عَبْرَة مؤنث است ← عبْرَة (مفرد) مَفَاتِيح مذکر است ← مَفَاتِيح (مذکر)

خواندنی حرکت آخر اسم‌های مثنی همیشه کسره است. ← هَافِظَانِ / هَافِظَاتَانِ

و حرکت آخر اسم‌های جمع مذکر سالم همیشه فخته دارد. هَافِظُونَ / هَافِظِينَ و باید دقت کنیم که اسم‌های مثنی و جمع مذکر سالم هیچ وقت تنوین نمی‌گیرند.

مثال با توجه به تصاویر و اسم‌های زیر در جای خالی کلمه مناسب را قرار دهید.

هَذِهِ - تَلْمِیذَاتَانِ - رَجُلٌ - تَلْمِیذٌ - لَاعِبُونَ - ذَلِکَ - لَاعِبَاتٌ



۱ هَؤُلَاءِ



۲ طیبیبات



۳ إمرأة



۴ هاتان



۸ هذا

۴ هاتان تلميذتان.

۸ هذا رجل.

۷ هؤلاء

۳ هذه امرأة.

۷ هؤلاء لاعبات.

۶ أولئك

۲ أولئك طبيبات.

۶ أولئك لاعبون.

۵ مجاهد.

۱ هؤلاء تلاميذ.

۵ ذلك مجاهد.

مثال >> برای جای خالی کلمه مناسب را انتخاب کنید.

مسرورون مسرورة

واقف واقفات

المجاهدون المجاهد

اللاعبين اللاعبات

لاعبون لاعبات

۵ لاعبون

۴ اللاعبات

۳ المجاهدون

۲ واقفات

۱ مسرورون

۱ سعيد و حميد و هاشم

۲ زهراء و زينب و فاطمة

۳ أولئك صابرون.

۴ هؤلاء فائزات.

۵ أولئك الأولاد ممتازون.

مثال >> جملات زیر را ترجمه کنید سپس انواع جمع‌ها (سالم و مکسر) و نیز اسم‌های «مثنی» را معلوم کنید.

۲ في كُتُبِ القِصَصِ عِبْرٌ لِلأَطْفَالِ وَ الكِبَارِ.

۴ هؤلاء الطَّالِبَاتُ ناجِحَاتٌ في المسابقات العالمية.

۱ فرزندان به پدر و مادر در خانه احترام می‌گذارند. ← (الأولاد: جمع مکسر)، (الوالدین: مثنی)

۲ در کتاب‌های داستان پندهایی است برای کودکان و بزرگان. ← (کُتُب: جمع مکسر)، (القِصَص: جمع مکسر)، (عِبْر: جمع مکسر)، (الأطفال: جمع مکسر)، (الكِبَار: جمع مکسر)

۳ آن مردان نزد دو دانشمند نشستند. ← (الرِّجَال: جمع مکسر)، (جالسون: جمع مذکر سالم)، (العالمین: مثنی مذکر)

۴ این دانش‌آموزان در مسابقات جهانی پیروز هستند. ← (الطَّالِبَاتُ و ناجِحَاتُ و المسابقات: جمع مؤنث سالم)

قيمة العلم

ارزش دانش

ارزش دانش

۲ حَسُنَ السُّؤال، نِصْفُ العِلْمِ، حَسُنَ العِلْمِ، خوبي پرسش نصف دانش است.

پرسش خوب، نصف دانش است.

۱ العالم بلا عمل، كالتَّشَجِرِ بلا ثَمَرٍ، دانشمند بدون عمل، مانند درخت بدون میوه است.

عالم بی عمل مانند درخت بدون میوه است.

۴ طَلَبُ العِلْمِ، فَرِيضَةٌ، خواستن دانش واجب است.

در پی دانش بودن واجب است.

۳ مَجَالِسَةُ العُلَمَاءِ، عِبَادَةٌ، همنشینی دانشمندان عبادت است.

همنشینی با دانشمندان عبادت است.

٦ هذا الولدُ، في هذه المدرسة. این پسر در این مدرسه است.

٥ آفة العلم، النسيان. آسب دانش فراموشی است.

٨ ذلك الطالبُ الناجح، في الصفِّ الأول. آن دانش‌آموز موفق در کلاس اول است.

٧ هذه البنتُ، في تلك المدرسة. این دختر در آن مدرسه است.

١٥ ثمرُ هذه الشجرة الكبيرة، لذيد. میوه این درخت بزرگ، خوشمزه است.

٩ هذه الطالبةُ الناجحةُ، في الصفِّ الأول. این دانش‌آموز موفق در کلاس اول است.

١٣ العالمُ المؤمنُ كجبلِ الرخمةِ و النور. دانشمند مؤمن مانند کوه مهربانی و نور است.

١١ «سعيد» اسمُ ولدٍ و «سعيدة» اسمُ بنتٍ. سعيد نام پسر و سعیده نام دختر است.

١٤ طلب العلم فريضة. علم جویی واجب است.

١٣ تلك الشجرة بدون ثمر. آن درخت بدون میوه است.

نور الكلام

نور / روشنائی سخن

نور/روشنائی سخن

٢ رضا الله في رضا الوالدين. خشنودی خدا در خشنودی پدر و مادر است.

١ نعمتان مجهولتان؛ الصحة و الأمان. دو نعمت ناشناخته اند؛ تندرستی و امنیت.

٤ الدهرُ يومان؛ يومٌ لك و يومٌ عليك. روزگار دو روز است؛ روزی برای تو و روزی بر ضد تو.

٣ أدب المرء، خيرٌ من دهبه. ادب انسان بهتر از طلا است.

٦ لهذا الصف، نافذتان جميلتان. برای این کلاس دو پنجره زیبا است.

٥ الولدُ الصالح، فخرٌ للوالدين. فرزند نیکوکار افتخاری برای پدر و مادر است.

٨ هذان الصقان، کبيران. این دو کلاس، بزرگ هستند.

٧ قيمة الانسان بالعلم و الإيمان. ارزش انسان به دانش و ایمان است.

٩ هاتان الشجرتان، بلا ثمر. این دو درخت، بدون میوه اند.



کَنْزُ الْكُنُوزِ

گنج گنج‌ها

گنج گنج‌ها

۲ عداوةٌ العاقل خیرٌ من صداقة الجاهل.

دشمنی خردمند بهتر از دوستی نادان است.
دشمنی خردمند بهتر از دوستی نادان است.

۱ تفکر ساعة خیر من عبادة سبعین سنة.

اندیشه کردن ساعتی بهتر از عبادت هفتاد سال است.
یک ساعت اندیشیدن بهتر از هفتاد سال عبادت است.

۴ خیرٌ الأمور أوسطها.

بهترین کارها میانه‌ترین آن‌هاست.
بهترین کارها میانه‌ترین آن‌هاست.

۳ العلم في الصغر كالنقش في الحجر.

دانش (یادگیری) در کودکی مثل نقش در سنگ است.
دانش (یادگیری) در کودکی مثل نقش در روی سنگ است.

۶ هؤلاء اللاعبون، فائزون في مسابقتين.

این‌ها بازیکنان برنده‌ها در دو مسابقه هستند.
این بازیکنان، در دو مسابقه برنده‌اند.

۵ الجهل نادانی

موت مرگ
الأحياء زندگان است.
نادانی، مرگ زندگان است.

۸ هذه صورة اللاعبين الإيرانيين.

این تصویر بازیکنان ایرانی است.
این تصویر بازیکنان ایرانی است.

۷ أولئك الأولاد، لاعبون ممتازون.

آنان فرزندان (پسران) ممتازها هستند.
آن پسران بازیکنان ممتازی هستند.

پرسش‌های درس اول

۱ کلمه‌های مترادف و متضاد را مشخص کنید. (= و ≠)

- ۲ حَسَن خیر
- ۴ جَالِس واقف
- ۶ الصَّحَة المَرَض
- ۸ عداوة صداقة

- ۱ عاقل جاهل
- ۳ فَرِيضَة تكليف
- ۵ المسرور الفرح
- ۷ الرأى النظر

۲ مفرد کلمات زیر را بنویسید.

- ۲ آیام مفرد
- ۴ أحجار مفرد
- ۶ أمور مفرد
- ۸ عبّر مفرد

- ۱ بنات مفرد
- ۳ أحياء مفرد
- ۵ كنوز مفرد
- ۷ أخشاب مفرد

۳ کلماتی را که زیرشان خط کشیده شده ترجمه کنید.

- ۲ خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا.
- ۴ هَذِهِ الطَّالِبَةُ، نَاجِحَةٌ.
- ۶ مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ، عِبَادَةٌ.
- ۸ أَدَبُ الْمَرْءِ خَيْرٌ مِنْ دَهْبِهِ.

- ۱ هَذَانِ الصَّفَانِ كَبِيرَانِ.
- ۳ هَؤُلَاءِ الْأَلْعَابُونَ، فَائِزُونَ.
- ۵ طَلَبُ الْعِلْمِ، فَرِيضَةٌ.
- ۷ لِهَذَا الصَّفِّ، نَافِذَتَانِ.

۳ برای جای خالی کلمه مناسب را انتخاب کنید.

- الصَّادِقَانِ الصَّادِقُونَ
- هَؤُلَاءِ هَذَا

- ۱ نَاجِحُونَ فِي الْحَيَاةِ.
- ۲ الْعُلَمَاءُ كَالجَبَلِ.

- ۳ هَذَانِ فِي الْمَزْرَعَةِ. الْفَلَّاحِ الْفَلَّاحِ
- ۴ الْمُؤْمِنَةُ فِي الْمَسْجِدِ. ذَلِكَ هَذِهِ
- ۵ زَيْنَبُ وَ كُبْرَى وَ فَاطِمَةُ مَسْرُورَاتٌ مَسْرُورُونَ
- ۶ مُجِيدٌ وَ حَمِيدٌ وَ مُحْسِنٌ. هَذَا أَوْلَئِكَ
- ۷ هَذِهِ، مُحَبَّبَةٌ. بِنْتٌ وَلَدٌ
- ۸ مُؤَدَّبَانِ. طَالِبَتَانِ طَالِبَانِ
- ۹ هَاتَانِ الْبِنْتَانِ فِي الْمُسَابَقَةِ. فَائِزَتَانِ فَائِزَتَانِ
- ۱۰ نَحْنُ الْمَدْرَسَةِ. طَالِبَةٌ طَالِبَاتٌ

۵ از اسم‌های زیر «مثنی» و «جمع سالم» بسازید.

اسم	مثنی	جمع سالم	اسم	مثنی	جمع سالم
۱ المسَابِقَةُ	۲ عَالِمٌ
۳ صَابِرَةٌ	۴ مُجَاهِدٌ
۵ الصَّالِحَةُ	۶ مُرْتَفَعٌ
۷ مَجْهُولَةٌ	۸ طَالِبٌ

۶ برای جای خالی کلمه مناسب را انتخاب کنید.

جالسون - طلاب - فائزات - عبر - ممتازون - لاعبات - واقفون - رجال - طبيبات

جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مکسر
.....
.....
.....



پاسخ نامه تشریحی

پاسخ پرسش‌های درس اول

پاسخ ۱

- ۱ عاقل ≠ جاهل
۳ فریضة = تکلیف
۵ السرور = الفرح
۷ الرأى = النظر
۲ حُسن = خیر
۴ جالس = واقف
۶ الصَّحَّةُ ≠ المرَض
۸ عداوة ≠ صداقة

پاسخ ۲

- ۱ بِنْت
۳ حَى
۵ كَنْز
۷ حَسَب
۲ يَوْم
۴ حَجْر
۶ أَمْر
۸ عِبْرَة

پاسخ ۳

- ۱ الصَّفَانِ: دو کلاس
۳ فائزون: برندگان
۵ فَرِيضَة: واجب
۷ نافذتان: دو پنجره
۲ أَوْسَط: میانه‌ترین
۴ نَاجِحَة: موفق
۶ مُجَالَسَة: همنشینی
۸ ذَهَب: طلا

پاسخ ۴

- ۱ الصادقون
۳ الفلاحان
۵ مسرورات
۷ بِنْت
۹ فائزتان
۲ هُوَلَاءِ
۴ هَذِهِ
۶ اولئك
۸ طالبان
۱۰ طالبات

پاسخ ۵

- ۱ المُسَابِقَتَانِ - المُسَابِقَات
۳ صابرتان - صابرات
۵ الصَّالِحَتَانِ - الصَّالِحَات
۷ مجهولتان - مجهولات
۲ عالماني - عالمون
۴ مجاهدان - مجاهدون
۶ مُرتَفَعَانِ - مُرتَفَعُونَ
۸ طالبان - طالبون

پاسخ ۶

- ۱ جمع مذکر سالم: جالسون، ممتازون، واقفون
۲ جمع مؤنث سالم: فائزات، لاعبات، طبيبات
۳ جمع مکسر: طلاب، عبر، رجال

پاسخ پرسش‌های درس دوم

پاسخ ۱

- ۱ اليمين ≠ اليسار
۳ حدیقة = بستان
۵ حُسن ≠ سُوء
۷ الحُسام = السَّيْف
۲ أ = هَلْ
۴ طویل ≠ قصیر
۶ قریب ≠ بعید
۸ عُرْفَة = بیت

پاسخ ۲

- ۱ ضَيْف
۳ علامة
۵ سماء
۷ بستان
۲ حَقِيبَة
۴ جَبَل
۶ عُرْفَة
۸ حِكْمَة

پاسخ ۳

- ۱ سْتُون
۳ همشین
۵ هتل
۷ نویسنده
۹ گردش / چرخش
۲ چه بسا
۴ دوست داشتن
۶ انار
۸ تلفن همراه / موبایل
۱۰ مدارا کردن

پاسخ ۴

- ۱ عبد
۳ اليسار
۲ حَوْل
۴ الناس